

نشریه گفتمان انقلاب اسلامی

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

سال نهم | شماره دویست و چهارده | ۲۱۴ | آذر ۱۳۹۰

ویژه نامه نماز جمعه

۲ | پشت درهای بسته

۳ | الکتد در زبان گویای جمهوری اسلامی

۳ | اقیام برای جلوس

۴ | یتیم خانه‌ای به نام وزارت آموزش و پرورش



علی حکیمی

## آن بیست و شش نفر

این منجلاب بیرون بکشد. یکی با عنوان دانشجو، یکی با اسم استاد دانشگاه، یکی با اعتبار فلان سازمان یا اداره که با آن همکاری دارد و... همه سعی می‌کنند به نوعی خودشان را کمی از این دام برهند. یکی می‌گوید دانشجویی تحصیل کرده باید کمتر خدمت کند یا جای بهتری باشد؛ آن دیگری از لزوم حفظ حرمت فلان قشری دم می‌زند که با فلان نهاد در ارتباط بوده‌اند و این وسط قربانی اصلی همان بیچارگانی هستند که دستشان از همه جا کوتاه است و رانت و ارتباطی ندارند که خود را نجات دهند. همان‌هایی که نه لزوماً دانشگاه رفته‌اند و نه کارمند فلان دستگاه شده‌اند و نه می‌توانند از امتیازاتی مثل خانواده شهدا بودن استفاده کنند. اما باز همان سوال اصلی پابرجاست، ما چه حقی داریم که آن‌ها را به بند بکشیم؟ چگونه می‌توانیم بگوییم آن کسی که تحصیل کرده است حق دارد از شر این ماجرا خلاص شود یا لاقط در زیر یک چتر حمایتی قرار گیرد اما آن سرباز صفر بی تحصیلات به بیگاری گرفته شود؟ آفت اصلی مطالبه‌گری اصلاح سربازی همین خودبینی‌ها و نجات خودی‌هاست، در این فضا هرگز شاهد اصلاح و تغییر همه‌جانبه نخواهیم بود.

تحت این تعالیم قرار بدهیم. ماجرای سربازی اجباری اگر نگوییم دردآورترین مسئله روز جامعه ماست، لاقط یکی از دردآورترین‌هاست. چطور حق داریم به بهانه نداشتن بودجه و نیروی انسانی به خود این حق را بدهیم که آزادی یک انسان را سلب کنیم و سال‌های زندگی‌اش را بدزدیم؟ چرا باید جوانی را به بند بکشیم تا خلأهای اداری و نیروی انسانی‌مان را با سوءاستفاده از او پرکنیم؟ اصلاً آیا واقعا

چطور حق داریم به بهانه نداشتن بودجه و نیروی انسانی به خود این حق را بدهیم که آزادی یک انسان را سلب کنیم و سال‌های زندگی‌اش را بدزدیم؟ چرا باید جوانی را به بند بکشیم تا خلأهای اداری و نیروی انسانی‌مان را با سوءاستفاده از او پرکنیم؟

اینقدر نیاز نیروی انسانی معقول، منطقی و بهینه است؟ سلمناگیریم که هست، اگر نیاز هست چرا نیروهای کادری برای رفع این نیازها جذب نشوند؟ چرا باید هزینه ناتوانی ما در تامین نیازها یا در بهینه کردن استفاده از نیروی انسانی را آن جوان مستضعفی بدهد که نان‌آور خانواده‌اش است، دنبال ساختن آینده‌اش است و برنامه‌هایی برای سال‌های بهار زندگی‌اش دارد؟ ماجرا وقتی بغرنج‌تر می‌شود که شاهدیم هرکس به نحوی بنا دارد گلیم خودش را از

قرار دهد و در ازای آن طعن و کنایه و فحش بشنود و توسری بخورد. جوانانی که جبر روزگار کار آن‌ها را به جایی رسانده که به جای پیگیری برنامه زندگی خویش مجبورند سرویس بهداشتی را بشویند، راننده فلان مافوق شوند، لب مرزها با جان‌شان بازی کنند، هزار و یک مشکل در فضای زیست سربازی را تجربه کنند و دو سال از همه چیز عقب بیفتند، از بازار کار، از ازدواج، از آینده، از زندگی.

و بدتر از همه اینکه باید تحت یک برنامه تربیتی قرار بگیرند که به آن‌ها می‌آموزد در زندگی‌ات (به مانند یک پادگان) یا باید گرگ باشی یا گوسفند؛ یا باید توسری خور شوی و دائم تنبیه و توهین و تحقیر نصیب شود و یا اینکه تو هم سعی کنی با ظلم به دیگری این بنای باطل را تکمیل کنی. این تهاجم فرهنگی نه از سوی دشمنان ما که از سوی خود ما بر سیره جوانان ما تزریق می‌شود و بدتر آنکه سعی ما بر این است که همه را یک دور

باز هم یک خیر؛ «بامداد روز پنجشنبه چهارم آذرماه، سرباز وظیفه مهدی رفیعی، در حین انجام مأموریت به شدت مجروح و پس از مدتی کوتاه به درجه رفیع شهادت نائل شد.» این خبر در هفته‌ای که گذشت روی سایت‌ها و خبرگزاری‌ها رفت و باز هم با یک قصه تکراری کامران را تلخ کرد. مهدی رفیعی ۲۶ امین شهید سرباز از ابتدای سال ۹۹ تاکنون است. تمام این شهدای سرباز، جوان‌های ۱۸ ساله، ۱۹ ساله، ۲۰ ساله، ۲۱ ساله... بودند که در اثنای جوانی و در اوج آمال و آرزوها برای آینده‌شان، قربانی پافشاری نهادهای نظامی و سیاسی بر تداوم یک سیاست نامقدس شدند. سربازان وظیفه‌ای که نه آموزش جدی و حرفه‌ای دیده‌اند و نه در آنچه که بدان گرفتار شده‌اند اختیاری داشته‌اند. آن‌ها مجبورند ترسند، مجبورند بجنگند، مجبورند بلد باشند با خطر دست‌وپنجه نرم کنند و مجبورند در این نبرد نابرابر قربانی شوند. در این میان دردآورتر، بی‌توجهی‌ها و بی‌تفاوتی‌هاست به این ظلم آشکار؛ جوانی که باید دو سال از ارزشمندترین سرمایه‌اش، عمرش، را مفت و مجانی در اختیار این ساختار

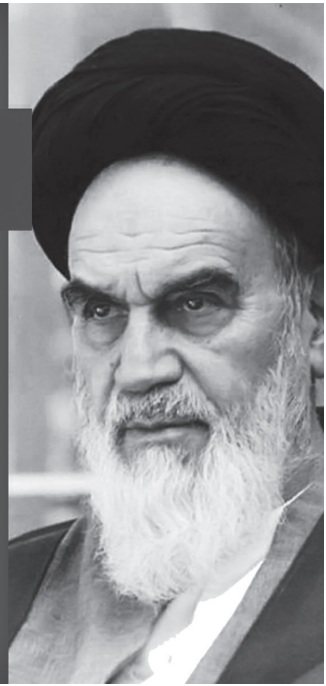


## ۹۹ امام خمینی

### بگوئید تا قدرت پیدا کنید

اگر دولتی به واسطه خطبه‌های نماز جمعه، نماز جمعه شما را تعطیل کند، با عکس العمل مردم مواجه می‌شود و همانی است که ما می‌خواهیم. منتظر نشوید که یک لشکری پیدا بکنید - می‌دانم - یک اسلحه‌ای پیدا بکنید، جنگ نمی‌خواهید بکنید، شما مصالح مسلمین را می‌خواهید بگوئید. شما انتظار نکشید که اول قدرت پیدا بکنید بعد بگوئید، شما بگوئید تا قدرت پیدا بکنید. ایران همین کار را کرد، ایران گفت تا قدرت پیدا کرد، نه اینکه نشست تا قدرت پیدا بکند، اگر نشسته بود تا ابد هم نمی‌شد.

صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۴۲۶



ابوالفضل کشتکار

### پشت درهای بسته

یمن، کشوری با تمدنی کهن که درگیر جنگی ویران‌کننده و ظالمانه شده است. عاملی که باعث استواری این سرزمین در برابر حملات مستکبرانه می‌شود، وجود مجاهدانی سخت، مقاوم و استوار است. می‌دانیم که مجاهدین انصارا... از یک فرقه شیعی به نام زیدیه هستند. شیعیان زیدی، شیعیانی به شدت سیاسی هستند. یعنی سیاست و جهاد امری جدانشدنی از مذهب زیدی است. به همین خاطر امامت و رهبری از ارکان مهم زندگی هر زیدی است. از نظر آن‌ها امام و رهبر باید خصوصیات داشته باشد که دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها را بیان می‌کنیم. اول اینکه امام باید از نسل علوی - فاطمی باشد. شرط دوم قیام بالسیف است. شرط قیام بالسیف در مذهب زیدیه آن قدر مهم است که حتی به مسئله‌ای به اسم تقی‌اعتقادی ندارند. شاید بتوان علاقه این مجاهدان سرسخت به خمینی کبیر را در همین عقاید جستجو کرد. زیرا امام عزیز ما با روحی خدایی در برابر تمام طواغیت دنیا محکم ایستاد و قیامی آرمان‌ساز برای تمام مستضعفین جهان پدید آورد. برای مثال سیدحسین بدرالدین، رهبر کبیر انقلاب را امام می‌دانستند. فقیهی امامی مسلک که امام زیدی مذهب‌ها هم هست. همان طور که گفتیم شد زیدی مذهب‌ها مذاکره و سازش با طواغیت را به هیچ وجه نمی‌پذیرند. یکی از نکات عبرت‌آموز خیانت برجام این بود که این قرارداد دنگین علاوه بر خسارت فراوانش در داخل، وجهه ایران اسلامی را در چشم مستضعفین جهان نیز خدشه دار کرد. شکی در جان برخی از جوانان مقاومت افتاد که چرا کشوری که داعیه‌دار استکبارستیزی است باید با شیطان بزرگ مذاکره کند. اجازه بدهید کمی هم به اوضاع روز یمن بپردازیم.

حتما این روزها اسم مآرب را شنیده‌اید. منطقه‌ای با تاریخ کهن که اهمیت زیادی دارد. اهمیت مآرب ناشی از عوامل گوناگونی است. اما دو عامل اصلی آن را می‌توان وجود منابع نفت و گاز و تبدیل شدن آن به پایگاهی استراتژیک برای دشمنان انصارا... دانست. این شهر مهم در این سال‌ها به پایگاهی بسیار مهم برای حزب الصلاح و دولت مستعفی منصورهادی تبدیل شده است. تا آنجا که برخی تحلیل‌گران سقوط آن را ضربه‌ای جبران‌نشدنی به ائتلاف سعودی می‌دانند. حملات اخیر انصارا... به مآرب، کارد را به استخوان ائتلاف سعودی رسانده است. برتری زمینی انصارا... از طرفی و تضعیف پایگاه مردمی دشمنانش در مآرب از طرف دیگر کار را به جایی رساند که ائتلاف سعودی علاوه بر حملات گسترده هوایی، دست به دامان تروریست‌های القاعده شد. حتی نیروهای القاعده یمن هم گره از کار این ائتلاف باز نکردند. به همین خاطر سعودی‌ها و همپیمانان‌شان برخی از فرماندهان القاعده را از سوریه به جبهه مآرب آوردند. عرصه وقتی بر ائتلاف تنگ‌تر شد که قبایل مآرب بر حزب اصلاح و دولت مستعفی برای صلح فشار آوردند. همه این عوامل باعث شد راهی برای سعودی‌ها باقی





علی زاهدی نسب

## قیام برای جلوس

دهم آذرماه مصادف شده با سالروز شهادت سیدحسن مدرس و به تبع همین رخداد، این روز را در تقویم جمهوری اسلامی به روز مجلس نامگذاری کرده‌اند. نگارنده بر این عقیده است که اصولاً قوه مقننه‌ای که در آیین‌های قانون اساسی ترسیم شده است با آنچه که ذهنیت بخش قابل توجهی از جامعه نسبت به این نهاد می‌باشد، فاصله‌ی معتنا بی‌درد دارد. اگر بخواهیم از علل این ماجرا سخن بگوییم و در ضمن وجدان رانین رضای نموده که از پاسخ‌های کلیشه‌ای (و چه بسا درستی) چون توطئه دشمنان و عدم علم عموم جامعه به وظایف و اختیارات نماینده و... بگذریم، بایستی این حقیقت را پذیرفت که در سال‌های اخیر متولیان خود حرمت امامزاده رانگاه نداشته‌اند! شاید نظریه شماره ۲۲۳۶ مورخ ۱۷/۱۳۶۰/۸۷ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، تا حدودی روشن‌کننده‌ی برخی ابهامات و نمایاننده برخی واقعیات باشد: «جناب‌عالی نماینده مجلس شورای اسلامی هستید و شرعاً و به موجب سوگندی که یاد کرده‌اید موظفید در مقام نمایندگی مجلس طبق اصل ۸۸ قانون اساسی هرگونه توضیح و سؤالی را که لازم بدانید از وزیر مسئول بنمایید و طبق اصل ۸۴ قانون اساسی در برابر تمام ملت مسئولید و حق دارید در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نمایید و مطابق اصل ۸۶ قانون اساسی در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهار نظر و رأی کاملاً آزاد می‌باشید...» نماینده‌ی ترسیم شده در قانون اساسی، نماینده‌یست مبرا از تقلیل سطح بخش با استفاده از عباراتی چون «به نام خداوند زنگین کمان» و تحریر مردم‌نگاری طرفداران ژنرال مادرید در ساتتیاگو برنابئو! مبرا از دمیدن در آتش اختلاقات محلی و تلاش برای فروفودن پایه میکروفون در حلق این و آن و مبرا از لابی‌گری و رزومه‌سازی با تلاش برای گرفتن امتیاز تأسیس کارخانه‌ی آب‌ب‌لج فولاد در دل کویر! نماینده‌ی تراز قانون اساسی برای دفاع از وزیر مورد نظرش در جلسه رای اعتماد، صلاحیت‌های شخصی و تخصصی او را مدنظر قرار می‌دهد و نه اینکه با برانگیختن عواطف و احساسات دینی و مذهبی برای رای آوردنش تلاش نماید. نماینده آن است که به حق عموم ملت را محترم و عزیز شماره و خود را وکیل‌الرعا یا بداند و نه امیرالرعا! لفظ «مجلس» در لغت عرب براسم مکان دلالت داشته و به معنای مکان جلوس و نشستن معنا می‌گردد ولی ای کاش که آقایان نمایندگان به معنای ظاهری اعتنایی نکرده و با استفاده از ظرفیت‌های قابل توجه نمایندگی در قانون اساسی، مجلس را حقیقتاً به خانه ملت و مکانی برای «قیام» و فشردن گلولی همه مسئولین بی‌کفایت خون‌خلاق در شیشه کرده تبدیل می‌کردند! (نظر بیفکنید به اصول ۷۶، ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۸۹ قانون اساسی) خلاصه و نهایتاً آنکه روز مجلس بر تمام آن نمایندگانی که هنوز به متن سوگندنامه روز اول نمایندگی‌شان متعهدند، فرخنده و مبارک باد!

حتی در مواردی به زبان انگلیسی یا عربی نیز تسلط چندانی ندارند، اگر خوش‌بینانه بنگریم نشان دهنده تشخیص‌های غلط مدیران این سازمان است و به طور بدبینانه نشان‌دهنده رانت‌های متعدد در بدنه مدیران. اشکال اساسی دیگر، تعداد بسیار اندک رایزنان فرهنگی در کشورهای جهان است. در حال حاضر ایران در کشورهای متعددی فاقد رایزن فرهنگی است. در کشورهای هم که رایزن فرهنگی وجود دارد، به ندرت فعالیت مهم و چشمگیری اتفاق می‌افتد. فعالیت بسیاری از رایزنان فرهنگی به برگزاری یک یا چند نمایشگاه و همایش و... با موضوع فرهنگ و تاریخ و زبان ایران خلاصه می‌شود و اساساً انجام کاری فراتر از این کارهای نمایشی از آنان توقع نمی‌رود. اما شاید بتوان اصلی‌ترین مشکل سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی را عدم سیاست‌گذاری مناسب برای رسیدن به اهداف کلان و راهبردی سازمان دانست. به عبارتی دیگر این سازمان هم مانند بسیاری دیگر از سازمان‌ها و نهادهای دولتی، دچار مدیریت روزمره شده است. در واقع این مطلب همان انجام کارهای نمایشی بدون فایده، صرفاً برای تهیه گزارش از اقدامات انجام شده است؛ نکته جالب نیز این است که افراد در این سازوکار، برای انجام کارهای نمایشی خود ترفیع هم می‌گیرند و به مرور پله‌های ترقی را نیز طی می‌کنند! علت وجود چنین معضلی نیز بروکراسی فراگیر در این سازمان است. در این چرخه معیوب، اگر کسی خارج از سازمان، طرح و پیشنهاد مفیدی برای اجرا هم داشته باشد احتمالاً با این پاسخ مواجه می‌شود که: «بودجه نداریم!» این حرف به این معنا است که بودجه‌مان صرف پرداخت حقوق کارمندان و هزینه‌های جاری می‌شود و عملاً چیزی برای انجام کار فرهنگی باقی نمی‌ماند! در نهایت باید گفت با همه اشکالات و نقص‌هایی که سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی دارد، یک سازمان راهبردی برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که می‌تواند دستاوردهای عظیمی به ارمغان بیاورد. اما چاره‌کار این است که یک مدیریت این سازمان با رویکردی تحول‌خواه با شناخت و آگاهی کافی نسبت به وظایف و ظرفیت‌های سازمان و همچنین فضای فرهنگی جهان و با دوری از سازوکارهای غلط و دست‌وپاگیر موجود در سازمان، دنبال شود.

محمد میکائیل غلامی

## لگنت در زبان گویای جمهوری اسلامی

همین ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید. انقلابی که از همان ابتدای کار سرناسازگاری با ابرقدرت‌های جهان را داشت. پیام انقلاب باید به گوش همه مردم جهان می‌رسید. پس نهادها و سازمان‌های متعددی از جمله سپاه پاسداران، وزارت امور خارجه و... بخش بین‌الملل را با هدف انجام فعالیت‌های فرهنگی خارج از کشور تشکیل دادند. اما کار همه این نهادها در این عرصه مستقل از یکدیگر بود و شاهد موازی‌کاری‌ها و ناهماهنگی‌های زیادی بودیم. در نهایت در سال ۱۳۷۴ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی به منظور یکپارچه کردن فعالیت‌های فرهنگی نهاد‌های گوناگون در عرصه بین‌الملل تشکیل شد. قرار بود این سازمان، زبان گویای جمهوری اسلامی ایران در دنیا باشد. اما گاهی به کارنامه سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از ابتدای تأسیس آن تا کنون، نشان دهنده این است که نه‌زبانی برای گفتن بوده‌ونه‌گوشی برای شنیدن وجود داشته! اهمیت این سازمان راهبردی از آن جهت است که با گسترش روابط فرهنگی با کشورهای دیگر، دستاوردهای گوناگون فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حتی امنیتی نصیب کشور می‌شود. به عنوان مثال آشنایی بیشتر مردم کشورهای دیگر از فرهنگ و تاریخ و زبان کشورمان، سبب رفع اختلاف‌ها و سوءتفاهم‌ها و نزدیکی دو ملت به یکدیگر شده و از نظر اقتصادی نیز زمینه مناسبی را برای گسترش صنعت توریسم و افزایش صادرات محصولات فرهنگی فراهم می‌کند. اما اشکالات متعدد ساختاری و مدیریتی موجود در سازمان، مانع از تحقق این اهداف می‌شود. در درجه اول عدم کادرسازی مناسب از قشر نخبگان دغدغه‌مند و انقلابی، اشکال بزرگی برای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی محسوب می‌شود. استفاده از افراد غیرمتخصص به عنوان رایزنان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در کشورهای گوناگون که کمترین آشنایی را با زبان و فرهنگ آن کشور دارند و



# یتیم خانهای به نام وزارت آموزش و پرورش

اهالی تیم کاری ایشان رایه مجلس معرفی کنند تا بعد از تصدی پست وزارت، در هماهنگی کامل با تیم خانم علم الهدی، برنامه کاری خود را پیش ببرد؛ این

انتخاب وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش هم تبدیل به کلاف سردرگمی شده است که دست و پای آقای رئیس جمهور را به هم گره زده و او را با چالشی جدی مواجه ساخته، چالشی که چه بسا در آن روزهای نخست حضورش در پاستور، خواب آن راهم نمی دید و اگر قرار بود پیش بینی ای نسبت به چالش های پیش روی خود با مجلس داشته باشد، آن رادر حوزه هایی چون اقتصاد و سیاست خارجی جست و جو می کرد. اما این روزها، شرایط نشان می دهد که آقای رئیس جمهور جدا از سدی که مجلس در برابر سیاست های اقتصادی اش علم کرده، چندان روی خوشی هم نسبت به گزینه های پیشنهادی او برای وزارت آموزش و پرورش نشان نمی دهد و به نوعی رئیس جمهور را به تسلیم در برابر گزینه ی پیشنهادی خود اهالی خانه ملت وادار می کند، گزینه ای که این روزها، تن دادن به آن تنها چاره رئیس جمهور به نظر می رسد. رئیس جمهوری که خیلی زود و در کم تر از صد روز مجبور شده است از یکی از برنامه های اساسی خود در زمینه ی تحول دست بکشد تا هم چنان چتر حمایتی مجلس را بالا سرش داشته باشد. اما اصل ماجرا از این قرار است که سواى همه ی جریانات رسانه ای که دولت حول سامانه ای «یاران رئیس» به راه انداخت، دست کم در مورد وزارت آموزش و پرورش، اتفاق نظری پیشینی میان اهالی دولت وجود داشت که تحول در حوزه ی آموزش و پرورش به خانم علم الهدی واگذار شود اما در این بین از آن جا که دولت در همان گام های ابتدایی، شعارهای سفت و سختی مبنی بر عدم استخدام و به کارگیری نزدیکان و وابستگان سر داده بود، تصمیمش بر آن شد تا به جای معرفی خود خانم علم الهدی که سواى کارنامه ی علمی پربار در حوزه ی آموزش و پرورش برخوردار نبودند برخلاف وزری

مجلس فرستاد، جایی که اهالی مجلس خیلی شفاف تر بر روی خلاء رزومه ی مدیریتی آقای فیاضی دست گذاشتند و ایشان را که حتی کارنامه ی علمی اش نیز به پای کارنامه علمی آقای باغگلی نمی رسید، عاری از صلاحیت لازم برای تصدی پست وزارت آموزش و پرورش دانستند. این همه باعث شد تا دولت، بعد از ائتلاف وقتی که در معرفی وزیر

دست کم در مورد وزارت آموزش و پرورش، اتفاق نظری پیشینی میان اهالی دولت وجود داشت که تحول در حوزه ی آموزش و پرورش به خانم علم الهدی واگذار شود اما در این بین از آن جا که دولت در همان گام های ابتدایی، شعارهای سفت و سختی مبنی بر عدم استخدام و به کارگیری نزدیکان و وابستگان سر داده بود، تصمیمش بر آن شد تا به جای معرفی خود خانم علم الهدی فردی از اهالی تیم کاری ایشان رایه مجلس معرفی کنند

همه موجب شد تا اسم آقای باغگلی به عنوان محوری ترین فرد در تیم خانم علم الهدی به مجلس معرفی شود، آقای باغگلی که سواى کارنامه ی علمی پربارشان به زعم مجلس از سابقه ی مدیریتی جدی در حوزه ی آموزش و پرورش برخوردار نبودند برخلاف وزری

پیشنهادی جدید به خرج داده بود، چوب تاکید بیش از حد خود بر برنامه تحولی خود را بخورد و به ورطه ای بیفتد که برای جلب همکاری مجلس در راستای پیش برد برنامه های اقتصادی و سیاست خارجی خود، بر روی گزینه ای دست بگذارد که نه تنها از هماهنگی

لازم با تیم پیشنهادی دولت برخوردار نیست بلکه حتی دولت برسر این که این آقا چه برنامه و مشی مدیریتی ای در وزارت خانه خواهند داشت نیز، در ابهام به سربرد، وزیری که گویا مهم تر از رزومه ی بلندش که با مولفه هایی چون پیاده روی اربعین پر شده، ارتباط تنگاتنگ اش با اهالی خانه ملت، او رادر مسیری هموار برای تصدی وزارت آموزش و پرورش قرار داده تا این وزارت خانه که به نوعی بی کس و کارترین وزارت خانه ی دولت به شمار می آید، حتی در دوره ی طرح شعارهای بلند عدالت خواهی نیز، بر روی ریل قدیمی و فرسوده ی پیشین، به حرکت کج دار و مریز خود ادامه دهد. حال باید دید که آقای نوری که توانست رای اعتماد نمایندگان را برای تصدی وزارت آموزش و پرورش کسب کند، از انعطاف لازم برای همکاری با دولت برخوردار خواهد بود یا این که نخستین و جدی ترین تناقض رادر بدنه ی فکری و کاری این دولت را بر ملا خواهد نمود.



## فتح؛ نشریه گفتمان انقلاب اسلامی

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع)

شناسنامه فتح ۲۱۴

مدیرمسئول: علی راستی  
سرمدبین: علی حکیمی  
دبیر هیئت تحریریه: محمد بوالحق  
جانشین مدیرمسئول: پوریا عصار  
جانشین سردبین: محمد مهدی محمدزاده  
مسئول فضای مجازی: احمد رضا حبیبی

### دبیر کارگروه ها

دبیر فرهنگی: مهدی مولی داد  
دبیر تاریخی: ابوالفضل کشتکار  
دبیر سیاسی: محمد جواد مولوی  
دبیر حقوقی: محمد رضائی جوزانی

### درگاه های ارتباطی فتح

FathISU\_IR



FathISU\_IR

صفحه اینستاگرام

BasijISU.ir

### نسخه دیجیتال فتح را

با اسکن این کد دریافت کنید

